جلواین تحریکات خونین را باید هرچه سریعتر وقاطعتر گرفت

ضربات «چماقداران» بر انقلاب ایران ادامه دارد

حوادث بعد از ظهر روز پنجشنبه ۲۲ خردادماه، حدت مسئله‌ای را که ما در صبح پنجشنبه، با صراحت و قاطعیت مطرح کرده بودیم، ثابت کرد. هشدار ما بجا بود و روز بروز هم برای سرنوشت انقلاب حیاتی‌تر میشود.

آنچه در امجدیه و اطراف آن روی داد و دامنه‌اش به خیابانها و محلات هم کشید، نشان میدهد که «چماقداران» از امکانات و سازماندهی وسیعی برخوردارند. «چماقداران» اینک آشکارا به قانون اساسی، به قوه مقننه و مجلس شورای ملی، به ریاست جمهوری و قوه اجرائیه، به شهربانی و مقامات انتظامی سنتی و به کمیته‌ها و سپاه پاسداران و نهادهای انتظامی که از انقلاب نشات گرفته‌اند، اعلان جنگ داده‌اند. خطر واقعی آنست که از این نهادها و ارگانهای انقلابی و دولتی، بلکه گروهی به قدرت چماق، متکی به نفوذهای اعلام‌نشده، و با ارتباطات مشکوک، حاکم و تعیین کننده جو سیاسی و روند تکاملی جامعه شوند، چنین وضعی خود انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را در معرض خطر قرار میدهد، چماقداری حادثه خونین می‌آفریند و آشکارا پیداست که به‌عمد میکوشد تا گروهها را بجان هم اندازد و تفرقه‌افکنی کند و در این میان اگر نام الله و اسلام هم لکه‌دار شود، چه‌باك. حتی در جو بوجود آمده، آنها نقابی بهتر و محافظی موثرتر از همین توسل دروغین به «حزب‌الله» و سوء استفاده از حیثیت و اعتبار امام پیدا نکرده‌اند. برای آنها مهم آنست که ضربات آنها بر انقلاب، بر نیروهای انقلابی و بر وحدت نیروهای انقلابی، بر تکامل انقلاب و استحکام آن هرچه کاری‌تر باشد و از درون آنرا بفرساید و نابود کند.

ضدانقلابی بودن «نهاد چماقداری» اینك دیگر بر کسی پوشیده نیست. رشد سیاسی و بلوغ مدنی مردم انقلابی بجائی رسیده است که با تجربه گردآمده، امروز دیگر هیچکس نمی‌تواند آشکارا از آن دفاع کند و آنرا وابسته بخود بداند. پس این چه نیروئی است که از همه‌احزاب و سازمانها و گروهها بی‌نیاز است، همه جراید بی‌استثناء از آن تبری می‌جویند، همه مقامات مسئول در حرف لعن و نفرین نثار آن میکنند، ولی همچنان باقی است، عمل میکند، قربانی میگیرد، خون می‌ریزد، تحریك می‌کند، حادثه می‌آفریند و زمینه را برای اقدامات متنوع ضدانقلاب و «اقدام نهائی» او آماده می‌کند؟ چرا انقلاب و آنها که سکانهای امور را بدست دارند، ریشه این مفسد بر باددهنده انقلاب را نمی‌کنند؟ آیا پی‌گیری و رویاروئی در این زمینه نمی‌تواند گره‌گشای بسیاری از مسائل باشد؟ آیا برای مسئولان امور اختلال در امور اقتصادی و بی‌ثباتی در محیط سیاسی ـ که ثمرات مستقیم چماقداری است ـ علی‌السویه است؟

روز پنجشنبه باز متاسفانه به‌قیمت زندگی یك جوان ۱۶ ساله و زخمی شدن دهها و بلکه صدها نفر، حدت و فعلیت هشدارهای ما و سایر نیروهای انقلابی و مسئول درباره خطر چماقداری ظاهر شد. جامعه ما بار دیگر نتایج انقلاب خود را در خطر یك شیوه کار ضدانقلابی دید و متوجه شد که این خطر بیچوجه کوچك نیست و اگر مهار نشود و بسرعت و با قدرت مهار نشود، میتواند انقلاب را جداً تهدید کند.

هر نیروئی که حساب خود را از حساب چماقداران جدا می‌داند، می‌بایست جداً در عمل خواستار جلوگیری، تعقیب و سرکوب این عوامل انقلاب‌برباده باشد. جداً خواستار شود که مسئولیت واقعی حفظ نظم و امنیت، به‌مقامات و ماموران انتظامی، اعم از سنتی و انقلابی، داده شود و از آنها مسئولیت حفظ نظم و امنیت خواسته شود. جداً خواستار پاك‌کردن عناصر نایاب و مشکوك در درون سازمانهای دولتی و نهادهای انقلابی، که صاحب مسئولیت انتظامی هستند، باشد.

ولی آنچه دارای اهمیت درجه اول است، توجه دقیق همه مسئولان به‌این واقعیت است که ضربه‌اصلی چماقداران بر انقلاب وارد میشود و اختلالات اقتصادی و بی‌ثباتی سیاسی ناشی از آن مستقیماً نظام جمهوری اسلامی ایران را تهدید می‌کند و به سلب اعتماد مردم از استحکام و قدرت و آینده آن می‌انجامد. جلوی این روند را بیدرنگ با قاطعیت باید گرفت و هرکس در جهت شناسایی، تعقیب، سرکوب و ریشه‌کنی چماقداری عمل نکند، در اصالت انقلابی او میتوان شك کرد.

نامهٔ مردم

ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

دورهٔ هفتم، سال دوم، شمارهٔ ۲۵۸

یکشنبه ۲۵ خرداد ۱۳۵۹ ـ تکشماره ۱۵ ریال

حجت‌الاسلام خوئینی‌ها: دشمن یکی است و آن آمریکاست

براساس شناخت دشمن اصلی، یعنی آمریکا، بیائید نیروهای اصیل را دورهم جمع کنیم

حجت‌الاسلام موسوی خوئینی‌ها روز ۶ خرداد درنماز وحدت مردم‌مشهد سخنانی ایراد کرد. نظر به‌اهمیت این سخنرانی ما قسمت‌هایی از آن را در این شماره نامه «مردم» چاپ می‌کنیم:

حجت‌الاسلام خوئینی‌ها اظهارداشت:

«دشمن‌سخت‌درکمین‌است. دشمنی آمریکابك‌مسئله ذهنی وخیالی ازورای دریاها نیست. آمریکاهمچنانکه در تمام زمینه‌های‌جامعه‌ما، اقتصادی، سیاسی، نظامی، فرهنگی رسوخ‌کرده بود، تاروپود وجود جامعه‌مارادر قبضه‌خودگرفته‌بود، امروزهم روزدرو وقیحانه‌ووحشیانه به‌جنگ نظامی‌ما آمده‌است، امروز زمانی نیست که‌برای هرچیزی‌درمقابل‌هم بایستیم، زیرا دشمنی وقیح،وحشی درکمین داریم.

روحانی‌باد‌انشگاهی چرا اختلاف دارد؟ چرا جنگ، آیادشمن، دشمن مشترك نیست؟ آیادشمن‌مشترك شناخته شده نیست؟ آیامگر رهبر بزرگمان بارها بما گوشزد نکرده است‌که دشمن اصلی‌ما آمریکاست؟ آیا شك داریم‌که شیطان بزرگ آمریکاست؟ امروزبر کدام

بقیه در صفحه ۲

موانع ساختگی را از سر راه گسترش روابط با کشورهای سوسیالیستی برداریم

در روزنامه«جمهوری اسلامی» (شماره‌های ۱۹ و ۲۰ خرداد) در مورد مشی سیاسی که دولت جمهوری‌اسلامی ایران باید نسبت به‌غرب (امپریالیسم) و نسبت به «بلوك شرق» (کشورهای سوسیالیستی) اتخاذ کند نظرگاهی در جملاتی چند بیان گردیده است، که جلب توجه میکند. نظر به‌اینکه این نظرگاه اساسی‌ترین مسائل مربوط به سیاست خارجی جمهوری اسلامی‌ایران رابرمبنای حفظ و تحکیم استقلال تام و تمام کشور ما مطرح میسازد ما مفید و لازم‌میدانیم، ولو به‌اختصار، نظر خودرانسبت بدان بیان داریم.

در روزنامه «جمهوری اسلامی» چنین میخوانیم:

«... دشمنی ما با امریکا یك دشمنی بنیادی است و در عین حال اگر بلوك‌شرق بخواهند با ما از در دشمنی وارد شوند، ما در لزوم مقابله به‌مثل تردیدی نخواهیم کرد، هر چند در همه حال صلح ودوستی را دوست داریم.»

«... ما اگر چه دشمنان فراوانی داریم، ولی میتوانیم دوستانی نیز داشته باشیم. مثلا در بلوك شرق مامیتوانیم با کشورهائی نظیر یمن جنوبی بیشتر رابطه برقرار کنیم و تنگه باب‌المندب‌را بصورت جناب‌دار امپریالیسم در آوریم...».

«... توجه داشته باشیم که پرهیز ما از بلوك شرق از جهان‌بینی (اسلامی) ما نشات میگیرد نه‌اینکه بخاطر این پرهیز بگونه‌ای ناخودآگاه و ناخواسته در دامن شیطان بزرگ، یعنی امریکا فروغلطیم. ما با امریکا دشمنیم، دشمنی ما تا نظام کاپیتالیستی امریکا وجود دارد، وجود خواهد داشت. ما صدها سال‌است که‌بوسیله‌غرب بمنجیرکشیده شده‌ایم ...(!) اما نمیتوانیم بیچیزی با غرب (دولتهای امپریالیستی) بویژه با امپریالیسم امریکا وارد معامله سیاسی بشویم ... در صورتیکه درمقابل جهان شرق (کشورهای سوسیالیستی) نیزما استقلال خود را حفظ میکنیم و اگر آنها تفاهم را دوست داشته باشند، برای حفظ منافع و موجودیت خود درنگ نخواهیم کرد».

مادرجملات بالانکات مثبتی می‌بینیم که باآن موافقیم، ولی بجا میدانیم که مطلب را بیشتر بشکافیم. برای شکافتن بیشتر مطلب باید سه مسئله عمده و اساسی را مطرح سازیم و به آنها پاسخ روشن بدهیم.

نخست این مسئله که: آیا اختلاف ایدئولوژیك باید مبنای اختلاف سیاسی قرار گیرد؟ آیا اختلاف ایدئولوژیك باید مانع از اتحاد عمل وهمکاری وتعاون سیاسی علیه دشمن مشترك باشد؟ پاسخ این سئوالات منفی است.

ایدئولوژی اسلامی با ایدئولوژی سوسیالیسم علمی با یکدیگر اختلاف دارند؛ ولی این اختلاف نباید به‌سطح اختلاف سیاسی ارتقاء یابد. نباید مانع از اتحاد عمل و تعاون سیاسی علیه دشمن مشترك ـ امپریالیسم، به سرکردگی‌امپریالیسم‌امریکا ـ گردد. علاوه‌براین، اختلاف ایدئولوژی اسلامی (اسلام راستین انقلابی و نه‌اسلام امریکائی) با ایدئولوژی سوسیالیسم علمی، بطور عمده یك اختلاف فلسفی است. اگردرست‌است که اسلام‌راستین انقلابی مخالف با استثمار و در نتیجه مخالف با نظام اقتصادی ـ اجتماعی سرمایه‌داری است، سوسیالیسم علمی نیز خواستار لغو ریشه‌ای استثمار فرد ازفرده‌برانداری نظام سرمایه‌داری است. بنابراین هم اسلام راستین انقلابی وهم سوسیالیسم علمی، از نظر تحولی که جامعه بشری در زمینه‌اقتصادی ـ اجتماعی میپیماید، دارای وجوه مشترك فراوان‌اند. بهمین دلائل ما گفته‌ایم و تکرار میکنیم که در داخل کشور، **اتحادمسلمانان‌راستین انقلابی، اتحادمسلمانان انقلابی پیرو خط ضدامپریالیستی وخلقی‌امام، اتحاد مسلمانان طرفدار مستضعفین بر ضد مستکبرین، اتحاد مسلمانان ضد استثمار، ضد سرمایه‌داری و ضد امپریالیسم با پیروان راه سوسیالیسم علمی نه فقط ممکن، بلکه ضرورت حیاتی و تاریخی و مطمئن‌ترین‌تیقه برای تامین پیروزی قطعی و نهائی انقلاب ایران است.**

در عرصه بین‌المللی نیز چون انقلابی که در ایران زیر پرچم اسلام انجام گرفته، از لحاظ‌محتوای‌خودانقلابی است‌ضدامپریالیستی و انقلابی است خلقی، و چون کشورهای سوسیالیستی‌درنبردتاریخ‌سازعلیه امپریالیسم، پشتیبان راستین جنبشها و انقلابهای آزادی‌بخش ضد امپریالیستی هستند، پس جمهوری اسلامی ایران می‌تواند در وجود کشورهای سوسیالیستی متحدین پابرجا و بی‌شائبه و فرض در مبارزه علیه امپریالیسم، در مبارزه برای تثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب‌ایران، درمبارزه‌برای‌تامین‌استقلال واقعی و همه‌جانبه ایران عزیز بیابد.

مسئله دوم اینستکه: آیا ممکن است‌که کشورهای سوسیالیستی وفادار به جهان‌بینی سوسیالیسم علمی، با انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ایران، با جمهوری اسلامی ایران، «از در دشمنی وارد شوند»؟ پاسخ این‌سئوال هم، بهمان دلائلی که ذکر شد، منفی است. ما در عمل مشاهده کرده‌ایم، که هم در بحبوحه نضج و اعتلای جنبش انقلابی ایران وهم دوتمام این مدت ۱۶ ماهی که از پیروزی انقلاب ایران گذشته است، کشورهای سوسیالیستی وفادار به سوسیالیسم علمی و پیشاپیش آنها اتحاد جماهیر شوروی، از انقلاب و جمهوری‌اسلامی ایران، در برابر امپریالیسم، و بویژه‌امپر ـ

بقیه در صفحه ۷

در صفحات بعد

پیروزی سیاست همزیستی مسالمت آمیز به‌سود خلق‌هاست صفحه ۶

۷ سال ازشهادت رفیق پرویز حکمت‌جو عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران گذشت

روزی که «پرویز» اسطوره شد... صفحه ۳

درد ورنج فراوان و دوری ازخانواده اینست زندگی کارگران‌ساختمانی

مسائل کارگری ـ صفحه ۴

«بند امیر»ی‌ها دربند... مسائل‌دهقانی ـ صفحه ۵

درگرد همآیی اتحادیه وسندیکاهای کارگران خبازگفته شد: دولت باید سازمان نان بوجود آورد صفحه ۸

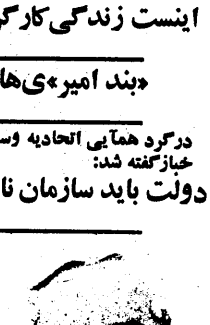

۲۱ سال از شهادت رفیق علی علوی گذشت صفحه ۷

برای مبارزه باامپریالیسم امریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم